

همانند سیلاب گرگان رود متأسفانه سیلاب ترک نیز با مداخلات انسانی و سازمانی از مسیر طبیعی خود خارج شد و با طی مسیری عجیب در نهایت به گمیش تپه رسید. سیلاب ترک پس از آگیری تالاب‌های آملگل، آچی گل و آلاگل وارد دریاچه شور می‌شود ولی قبل از آگیری کامل این دریاچه با شکسته شدن دیواره غربی دریاچه شور، سیلاب از آنجا خارج شده و به سمت غرب حرکت می‌کند. در اینجا دوباره جاده و بعد راه آهن آق‌قلا-اینچه‌برون که در تشدید آگیری شهر آق‌قلا نقش داشتند، بازهم مانع حرکت جریان آب شدند ولی حجم آب این بار اینقدر زیاد بود که توانست آن را رد کرده و وارد دشت صوفیکم شود. صوفیکم مرتع و شوره‌زار است و کانون‌های جمعیتی ثابت در آن وجود ندارد. در غرب دشت صوفیکم، سیلاب با جاده مرتفعی که به پاسگاه مرزی سنگرتپه منتهی می‌شد برخورد کرد. این جاده فاقد هر گونه آب‌گذر بود ولی بازهم حجم سیلاب به حدی بود که توانست آن را رد کند. بعد از عبور از جاده پاسگاه سنگرتپه، ادامه مسیر سیلاب بازهم مراتع و شوره‌زارهای خالی از جمعیت بود ولی در نزدیکی‌های تالاب گمیشان مجدداً با مانع بشراخته دیگری مواجه شد که نقش اصلی در انحراف مسیر سیلاب ترک به سمت شهر گمیش تپه را داشت. در مسیر معمول سیلاب ترک، اداره شیلات سایتی برای پرورش میگو احداث کرده بود که برای حفاظت از تأسیسات این سایت، بدون هماهنگی با ستاد مدیریت بحران اقدام به ساخت دیواره خاکریز و خندق حفاظتی در شرق سایت به طول ۶ کیلومتر و ارتفاع حدود ۳ متر کرده بود. این خاکریز حفاظتی سایت میگو باعث شد سیلاب ترک نتواند مسیر طبیعی خود را از مراتع و شوره‌زارهای خالی از سکنه طی کند و به تالاب گمیشان سرازیر شود. خاکریز احداثی سازمان شیلات هرچند مانع آگیری سایت میگو شد، اما سیلاب ترک را به سمت شهر گمیش تپه منحرف و این شهر را که پیش‌تر هم با دو سیلاب درگیر شده بود با سیلاب سوم مواجه کرد. خاکریز ۸ کیلومتری احداث شده توسط اداره شیلات را می‌توان اوج ناهماهنگی‌ها و خودخواهی‌های سازمانی در سیل گلستان دانست.

۵. خروج سیلاب از دیواره کانال انحرافی کملر (بصیرآباد)

در تصاویر ماهواره‌ای مربوط به سوم فروردین ماه ۱۳۹۸ مشخص بود که علاوه بر شمال شرق شهر گمیش تپه، در جنوب آن نیز آگیری قابل توجهی وجود دارد. در تصاویر ماهواره‌ای روزهای بعد مشخص است این آگیری مدام بیشتر نیز شده و حتی تا جنوب شهر گمیش تپه هم رسیده و به نوعی می‌توان گفت جنوب شهر گمیش تپه کاملاً به دلیل جریان

آبی که از این منطقه خارج شده زیر آب رفته است. متأسفانه مشکل ایجاد شده در این بخش هم ناشی از مداخله انسانی بود. منشأ آب خارج شده از این نقطه در واقع کانال انحرافی است که بین دو روستای بصیرآباد و کملر واقع است و گرگان رود را به کانال زهکش قره‌کیله متصل می‌کند. در زمان سیلاب، دیواره غربی این کانال در محل اتصال به گرگان رود دچار شکستگی شده و حجم زیادی از سیلاب از این طریق به سمت جنوب گمیشان سرازیر می‌شود. عدم پایداری دیواره غربی، ابعاد نامناسب کانال، پلان نامناسب و زبری بالای کانال، از جمله دلایل عملکرد نامناسب این کانال است. کانال‌های انحرافی، سازه‌های پیچیده‌ای نیستند که طراحی و ساخت آنها بسیار دشوار و نیازمند رعایت ملاحظات فنی خاصی باشد ولی متأسفانه همین سازه ساده و ابتدایی به درستی طراحی و اجرا نشده بود و این خطای بزرگ باعث هدایت سیلاب به جنوب شهر گمیش تپه و چهار روستای قره‌کیله، خواجه‌نفس، قورمه و چارقلی شد.

◀ مدیریت پس از بحران

همان‌گونه که خطاهای سازمانی و انسانی متعدد در وقوع و تشدید خسارت‌های سیل نقش داشتند، پس از سیل نیز مدیریت بحران مناسبی صورت نگرفت. مرور فرآیند مدیریت بحران در سیل گلستان نشانگر وجود مشکلات زیر در آن است:

- فقدان اطلاعات کافی یا اطلاعات متناقض برای تصمیم‌گیری.
- مداخله افراد غیرمسئول و گروه‌های ذی‌نفع که روند امور را مختل می‌کردند.
- وجود فرماندهان متعدد در صحنه که موجب تصمیم‌های متناقض و ناهماهنگی می‌شد.
- عدم ثبت تجربیات موارد مشابه پیشین و ناآگاهی مدیران جدیدتر از آنها.
- عدم ایجاد هماهنگی بین سازمانی از مرحله پیش از بحران تا مراحل در حین بحران و پس از بحران.
- غیرتخصصی و غیرمستقل بودن فوریت‌های عملیاتی.
- وجود سازمان‌های متعدد با وظایف متنوع و داشتن سلسله‌مراتب فرماندهی مجزا.

- ناهماهنگی در سازماندهی و همکاری با سازمان‌های مردم‌نهاد در کنار برخی سوءظن‌های ناپجا و البته انجام برخی اعمال ناهمخوان با فرهنگ مردم بومی توسط

گروه‌های مردمی.

• نبود فرهنگ از خودگذشتگی و وجود روحیه خودخواهی و مطرح شدن فردی در سازمان‌ها و نیز مطرح شدن سازمان در میان سازمان‌های فعال با انجام اقداماتی نظیر عدم اشتراک‌گذاری کامل و مؤثر تجهیزات و امکانات سازمان‌ها به دلیل تعصب سازمان‌ها بر تملک منابع سازمانی.

• عدم استفاده بهینه و بموقع از امکانات و نیروهای اعزامی داوطلب مردمی و دولتی.

• توزیع بی‌برنامه و بدون شناسایی منابع مادی در میان آسیب‌دیدگان.

• نداشتن برنامه منسجم و استفاده از روش‌های سنتی، تکراری و غریزی در به‌کارگیری منابع انسانی.

ذکر این مشکلات در فرآیند مدیریت بحران سیل گلستان به معنای نفی تمامی تلاش‌ها و خدمات ارائه شده در این حادثه نیست ولی مسلم است که اگر این مشکلات وجود نداشت، سیل گلستان با هزینه و نفرت به مراتب کمتر و در مدت زمان سریع‌تری مدیریت می‌شد و خسارت‌های پدید آمده کاهش قابل ملاحظه‌ای داشت.

مجموع یافته‌های این پژوهش نشان داد وقایع تلخ سیلاب گلستان نه به دلیل بارندگی بی‌سابقه بلکه حاصل خشکسالی عقلی باسابقه حکمرانانی بود که پیامدهای مخرب اقدامات خود را انکار و با خودخواهی مرسوم سازمانی، روند وقایع معمول طبیعت را به فاجعه و بلا تبدیل می‌کنند. نسبت دادن تمامی ابعاد سیل گلستان به طبیعت، تهمتی ناروا و فرافکنانه است. آنچه که گلستان را زیر آب برد سیل نبود، جهل بود؛ جهلی مستمر که از دهه‌ها پیش با مجموعه گسترده‌ای از اقدامات مخرب طبیعت شروع شده بود و بعد از سیل هم تلاش کرد با نسبت دادن آن به طبیعت، این جهل را جعل کند. ◀

